

تعیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته طراحی صنعتی: نقش تفاوت جنسیتی*

مهدی ابراز*^۱، علی زاده محمدی^۲، نادر شایگانفر^۳

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۳ استادیار فلسفه هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۷/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۲۸)

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، پی بردن به رابطه میان برخی از متغیرهای بنیادین در آموزش هنر نظیر ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی بوده است تا از این طریق بتوان با شناخت از وجود رابطه میان متغیرهای تحقیق کیفیت و بهره‌وری آموزشی را در فرآیند سیاست‌گذاری‌های مربوطه و اتخاذ روش‌های کارآمد، ارتقاء بخشید. دانشجویان رشته طراحی صنعتی هر چهار سال تحصیلی از میان دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بصورت غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق عبارتند از: ابزار سنجش خلاقیت آزمون تفکر خلاق تورنس؛ آزمون پنج عاملی ویژگی‌های شخصیتی؛ ابزار خودشکوفایی استعداد. جهت تحلیل همبستگی در نرم‌افزار اس پی اس اس از ابزار پیرسون استفاده شد. روش پژوهش از نوع تحقیق همبستگی بر اساس نمونه‌گیری از بستر کیفی و تبدیل داده‌ها به صورت نتایج کمی در قالب ساختار آمار تحلیلی (استنباطی) می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان دانشجویان پسر و دختر تفاوت‌های اندکی وجود دارد، بدین صورت که تنها تفاوت میان دانشجویان پسر و دختر بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت در عامل روان‌آزده خوبی است. همچنین تنها تفاوت میان دو گروه بین شاخص خلاقیت و خودشکوفایی در وظیفه‌شناسی است. در نهایت، بین شاخص‌های خلاقیت با خودشکوفایی میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی

هنر، طراحی صنعتی، ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت، خودشکوفایی، تفاوت جنسیتی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان: "تعیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیت، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته‌های نقاشی، گرافیک، عکاسی، طراحی صنعتی و معماری" به راهنمایی نگارندگان دوم و سوم می‌باشد.

** نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۳۲۹۰۷۰۰۹۳؛ نمابر: ۰۲۱-۴۴۰۹۷۷۸۲؛ E-mail: m.ebrazeh@au.ac.ir

مقدمه

شناخت از وجود رابطه میان برخی از متغیرهای مؤثر در ارتقای آموزش هنر، امکان برنامه‌ریزی برای مدرسان هنر را فراهم می‌آورد تا بدین وسیله بر روی متغیرهای مربوطه، تحقیقات وسیعی را سرمایه‌گذاری نمایند تا کیفیت و بهره‌وری آموزشی در مراکز دانشگاهی به بهترین وجه ممکن افزایش یابد؛ در نتیجه استعداد های چه آشکار و چه پنهان دانشجویان در رشته‌های مختلف هنری پدیدار گردد تا دانشجویان، اساتید و دانشگاه‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن از نتایج درخشان به دست آمده بهره‌مند گردند. یکی از رشته‌های بسیار مهم و راهبردی که در شکوفایی سطوح مختلف جامعه دانشگاهی نقش مهمی ایفا می‌نماید رشته طراحی صنعتی می‌باشد، چرا که هم از حیث هنری دارای ارزش‌های زیبایی شناختی است و هم از حیث کارکردگرایی دارای کاربردی صنعتی است که تلفیق این دو می‌تواند برای حل بسیاری از مسائل اجتماعی کاربرد داشته باشد. به نظر می‌رسد یکی از متغیرهای مهم که در شناخت ما نسبت به جامعه تحقیق کمک فراوانی می‌کند، ویژگی‌های شخصیتی باشد چرا که آگاهی از نوع شخصیت دانشجویانی که دارای خلاقیت بالا و همچنین مستعد در شکوف نمودن استعداد های خویش هستند، می‌تواند محققین را در دستیابی به مدل‌های آموزشی کارآمد در نهادهای دانشگاهی یاری رساند.

خلاقیت، عبارت است از فرآیند تولید محصولی نو، مفید و مناسب که مورد قبول همگانی قرار گرفته باشد (Sternberg and Lubart, 1996; Plucker et al., 2004; Sternberg et al., 2003). غالب توصیفاتی که بر پایه خلاقیت فرد طرح می‌شوند، برویژگی‌های شخصیتی وی متمرکز گشته‌اند. به خصوص آن دسته از نیروهای انگیزشی توسعه‌یابنده و میان‌فردی مشتق گرفته شده که به سوی کنش خلاقانه، سوق می‌یابند (Cashdan, 1971, 39-52). مفهوم خودشکوفایی، به ارضای نیازهای فرد و روال به حداکثر رساندن استعداد های بالقوه فرد بالغ اطلاق می‌شود (Jones and Crandall, 1986, 63-73). مزلو^۱ (1954؛ به نقل از مسترز^۲، 2009)، به بیان دیگر خودشکوفایی را به عنوان تحقق درون داشت‌ها، ظرفیت‌ها و استعداد های بالقوه، به صورت مداوم به منظور انجام یک مأموریت عنوان کرده است. خودشکوفایی را با احساس امنیت، مضطرب نبودن و پذیرفته بودن، دوست داشتنی بودن، شایسته احترام بودن و رسیدن به یک سیستم وجودی و معنی توصیف نموده است (Smith, 2002, 22-23).

ارتباط مستقیم خودشکوفایی با شاخصه‌ای شخصیتی مانند برون‌گرایی و سلامت روان و ارتباط معکوس آن با روان‌رنجورخویی در مطالعات متعدد نشان داده شده است (بطور مثال، Dahl et al.,

1995; Knapp, 1975; Dolye, 1972; Tosi, 1983). همچنین داهل^۳ و همکاران (1983, 683-695) نشان دادند که سطوح برون‌گرایی بالای زنان در مقایسه با مردان، همبستگی مثبت و بالایی با سطح خودشکوفایی دارد ولی سطوح مختلف روان‌رنجورخویی در هر دو جنس به میزان یکسان با خودشکوفایی همبستگی منفی دارد. مزلو (1970)، با انتخاب دانشجویانی که با تعریف خودشکوفایی مطابقت داشتند، دریافت که این گروه در زمره ۱ درصد سالم‌ترین افراد جمعیت قرار دارند. در این دانشجویان، هیچ نشانه‌ای از ناسازگاری وجود نداشت و همگی از استعداد و قابلیت‌های خود به طور کارآمد استفاده می‌کردند (Gebauer, 2008, 399-420). همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که نمرات بالای خودشکوفایی، با نمرات بالای شادکامی، افسردگی و هدفمندی در زندگی، همبستگی مثبت دارد و نشان‌دهنده رابطه مستقیم میان مذهبی بودن و جوانب سلامتی ذهنی است (French, 1999, 117-120). از طرفی خودشکوفایی، یکی از ملزومات اهداف آموزشی، محیط‌های یادگیری و خلاقیت است. اهداف آموزشی عبارتند از تأکید یادگیری بر خلاقیت، پختگی (فکر)، بازی، تصویرسازی، مشابهنی، انعطاف‌پذیری، تجربه بهینه، لذت، بهزیستی و چالش‌مکفی (Burlinson, 2005, 436-45). این توافق وجود دارد که نه تنها یادگیری و خلاقیت برای خودشکوفایی ضروری هستند، بلکه خودآگاهی، انگیزش درونی و خودشکوفایی نیز برای یادگیری و خلاقیت، اموری بنیادین تلقی می‌شوند و برای آنها یک چرخه هم‌کوشی وجود دارد (شقایق و آگاه هریس، ۱۳۸۹، ۶۲). با توجه به اهمیت مفهوم شخصیت و خودشکوفایی در خلاقیت هنری، پرداختن به روابط بین ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان هنر، زمینه‌ای مناسب برای کشف پدیده‌های خلاق و منحصر به فرد که حاصل فعالیت‌های خلاقانه هنری و یا حتی الهام‌بخش هنرمندان در آفرینش‌های هنری هستند را فراهم می‌کند و این قبیل پژوهش‌های میدانی و اکتشافی، ابعاد و گستره‌ای از توانایی‌های نهفته هنرمندان را آشکار می‌کند. اثر هنری محصول کنش‌ها، فعالیت‌ها و فرآیندهای پیچیده ذهنی خلاق دانشجوی هنر است، از این رو آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی و مراحل خلاقیت هنری، تجربه‌ای از فراروندگی و خودشکوفایی را که نشانه‌ای مهم از نشانه‌های خودشکوفایی و سرزندگی را کشف و شناسایی می‌کند. پژوهش در حوزه‌های علوم دیگر همچون علوم شناختی و روان‌شناسی هنر، در رابطه با هر یک از گرایش‌های هنری نزد دانشجویان هنر، امکان یافتن شیوه‌های خلاق در سبک‌های آموزشی هنر را تسهیل می‌کند.

پیشینه تحقیق

در زمینه ویژگی‌های شخصیتی، تحقیقاتی که تاکنون در حوزه روان‌شناسی هنر صورت پذیرفته، بیش از آنکه برویژگی‌ها، توانایی‌ها

و مهارت‌های شخص هنرمند استوار شده باشد، بر توجه نسبت به وجوه مختلف جامعه مخاطبین آثار هنری متمرکز گشته است

ابزار اندازه‌گیری

با در نظر گرفتن وجود پیچیدگی‌های موجود در خلاقیت^{۱۹}، برخی از محققین بر روی ویژگی‌های محصولات خلاقانه متمرکز شده‌اند در حالی که برخی دیگر، اجزای خاص از فرآیند خلاقانه را جهت اندازه‌گیری خلاقیت مورد توجه قرار داده‌اند. با در نظر گرفتن مورد دوم، آزمون سنجش تفکر خلاق تورنس به عنوان یکی از آزمون‌های استاندارد شده روانسنجی شناخته شده است که می‌تواند عملکرد خلاقانه را در آزمودنی‌ها مورد ارزشیابی قرار دهد (Torrance, 1990). ابزار تفکر خلاق تورنس، محرک‌های استاندارد که از فرآیند خلاق در محیط‌های کنترل شده بازتولید شده‌اند را ایجاد می‌کند (Chavez, 2007, 528-529). عابدی (۱۳۷۲، ۴۶-۵۴)، ضریب اعتبار بخش‌های سیالی^{۲۰}، ابتکار^{۲۱}، انعطاف‌پذیری^{۲۲} و بسط^{۲۳} را که از طریق بازآزمایی به دست آورده بود، در ایران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ گزارش کرده است.

پرسش‌نامه پنج عاملی بزرگ شخصیت (Costa and McCrae, 1992)، ابزاری مناسب شامل مقیاس‌های روان‌آزرده‌خویی^{۲۴}، برونگرایی^{۲۵}، گشودگی به تجربه^{۲۶}، سازگاری^{۲۷}، وظیفه‌شناسی^{۲۸}، روان‌آزرده‌خویی شامل مقیاس‌های: اضطراب^{۲۹}، کینه‌ورزی^{۳۰}، افسردگی^{۳۱}، شرم^{۳۲}، تکانشوری^{۳۳}، آسیب‌پذیری از استرس^{۳۴}، برونگرایی شامل مقیاس‌های: صمیمیت^{۳۵}، جمع‌گرایی^{۳۶}، قاطعیت^{۳۷}، فعالیت^{۳۸}، هیجان‌خواهی^{۳۹}، هیجان‌های مثبت^{۴۰}؛ گشودگی به تجربه شامل مقیاس‌های: تخیل^{۴۱}، زیبایی‌شناسی^{۴۲}، عواطف^{۴۳}، کنش‌ها^{۴۴}، دیدگاه‌ها^{۴۵}، ارزش‌ها^{۴۶}؛ سازگاری شامل مقیاس‌های: اعتماد^{۴۷}، سادگی^{۴۸}، نوع‌دوستی^{۴۹}، تبعیت^{۵۰}، تواضع^{۵۱}، درک دیگران^{۵۲} و وظیفه‌شناسی شامل مقیاس‌های: شایستگی^{۵۳}، نظم^{۵۴}، وظیفه‌شناسی^{۵۵}، تلاش برای موفقیت^{۵۶}، پیگیری^{۵۷}، انعطاف‌پذیری^{۵۸} می‌باشند (Hough and Ones, 2001). ابزار نئون نشان داده که ابزار کوتاه شده معتبر و قابل اعتمادی است که شامل ۶۰ گویه می‌باشد (Costa and McCrae, 1992). در هنجاریابی آزمون نئو که توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) بر روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت، ضرایب آلفای کرونباخ^{۵۹} در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزرده‌خویی، برونگرایی، گشودگی، سازگاری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. ابزار سنجش شکوفایی استعداد به عنوان جانشین پرسش‌نامه گرایش شخصی^{۶۰} جهت ارزیابی موفقیت و عملکرد فردی اشخاص توسعه یافته است. تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش مورب، مجموعه شاخصه‌ای اولیه را به ۲۷ فقره تنزل داد که در ۵ شاخص نمود یافت. تجزیه و تحلیل عوامل مرتبه دوم، دو جزء اصلی مشخص ساخت، ارجاع به خود^{۶۱} همراه با دو زیرمقیاس سازگاری^{۶۲} و خودمختاری^{۶۳}، گشودگی^{۶۴} همراه با سه زیرمقیاس گشودگی به زندگی^{۶۵}، گشودگی به خویشتن^{۶۶}، گشودگی به دیگران^{۶۷} (Lecker et al, 1997, 353-365). این پرسش‌نامه جهت استفاده در این پژوهش، ابتدا توسط تاج (۱۳۹۰) اعتباریابی شد، که بر

(Chamorro, Reimers, Hsu & Ahmetgol, 2009). برخی از محققین نیز مقولات زیبایی‌شناسی^۴ آثار هنری را در رابطه با جامعه مخاطبین مورد تحلیل قرار داده‌اند (Rawlings, Vidal; Furnham, 2004). تعدادی دیگر از روان‌شناسان نیز به مطالعه در زمینه تأثیر وجوه عاطفی^۵ و احساسی آثار هنری بر مخاطبین، پرداخته‌اند (Chamorro, Burke, Hsu & Swami, 2010). یک تعریف عمومی و پذیرفته شده، خلاقیت را به عنوان فرآیند تولید چیزی که بدیع، اصیل، مفید و مناسب است توصیف می‌کند (Stockes, 1999, 297-304). از نظر اصول شناختی^۶، خلاقیت نیازمند ترکیب برخی از فرایندها و مهارت‌های شناختی است که مهم‌ترین آنها، تفکر واگرا^۷ و حل مساله خلاق^۸ می‌باشد (Silvia, Winterstein, Willse, Barona, Cram, & Hess, 2008). تاکنون تحقیقات اندکی به مقوله خودشکوفایی اختصاص یافته است، این در حالی است که تقریباً مطالعه تأثیرات محیط‌های هنری بر نمره خودشکوفایی بسیار ناچیز است. برخی از نویسندگان، مستندات در این ارتباط مطرح نموده‌اند. رایدنر^۹ (1987-22-24) اشاره می‌کند که معلمین هنر همچون هوسنستام^{۱۰} (1971, 17-18)، و کافمن^{۱۱} (1966)، به وجود رابطه میان خویشتن شکوفاشده با فرآیند خلق اثر هنری تأکید نموده‌اند.

روش تحقیق

روش پژوهش از نوع تحقیق همبستگی بر اساس نمونه‌گیری از بستر کیفی و تبدیل داده‌ها به صورت نتایج کمی در قالب ساختار آمار تحلیلی^{۱۲} (استنباطی) می‌باشد. در این تحقیق از سه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی نئو^{۱۳}، ابزار سنجش خلاقیت تورنس^{۱۴}، و ابزار سنجش شکوفایی استعداد^{۱۵} استفاده شده است. این سه ابزار، در غالب یک پرسش‌نامه بین تمامی دانشجویان دوره چهار ساله رشته طراحی صنعتی^{۱۶} در انتهای هر کلاس و در پایان نیم سال اول تحصیلی توزیع گشت و دانشجویان در طی مدت ۴۵ دقیقه به سوالات هر سه پرسش‌نامه پاسخ دادند. پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار اس‌پی‌اس اس^{۱۷}، از طریق آزمون همبستگی پیرسون^{۱۸}، متغیرهای تحقیق مورد تحلیل قرار گرفتند تا رابطه میان آنها با توجه به مقوله تفاوت جنسیتی مورد آزمون قرار گیرد.

آزمودنی‌ها

شرکت‌کنندگان در این تحقیق شامل یک گروه مستقل از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته طراحی صنعتی از دو دانشگاه هنر اصفهان و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستند که در مجموع ۹۲ نفر را در برمی‌گیرد که ۴۹ نفر از آنان دختر و ۴۳ نفر پسر می‌باشند. میانگین سن آزمودنی‌ها برابر ۲۱ سال بوده است. فراوانی در سن ۱۸ سال برابر با ۱۷ دانشجو، فراوانی در سن ۱۹ سال برابر با ۱۶ دانشجو، فراوانی در سن ۲۰ سال برابر با ۱۶ دانشجو، فراوانی در سن ۲۱ سال برابر با ۱۱ دانشجو، و حداقل سن دانشجو ۱۸ و حداکثر سن ۳۲ سال می‌باشد.

اساس اجرای مقیاس شکوفایی استعداد، بر روی ۲۹۱ فرد شاغل، در رده سنی ۲۵ تا ۷۰ سال، آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

در ابتدا داده‌های به دست آمده از دانشجویان رشته طراحی صنعتی از طریق جداول ۱ و ۲ در غالب نمرات کل بدون در نظر گرفتن نقش جنسیت^{۶۸}، نمایش داده خواهد شد. همچنین، در جداول ۴، ۵ و ۶، تفاوت نمرات بین دانشجویان پسر و دختر مورد مقایسه قرار خواهد داد. فرضیه اول تحقیق این است که میان ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت، ویژگی‌های شخصیتی با خودشکوفایی، خلاقیت با خودشکوفایی رابطه وجود دارد و فرضیه دوم در پی آزمودن وجود تفاوت میان دانشجویان پسر و دختر در ارتباط با متغیرهای موجود در فرضیه اول است. بر اساس مندرجات جدول ۱، رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی

جدول ۱- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت دانشجویان طراحی صنعتی.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	روان آزاده خویی									
۲	برونگرایی	-۰.۴۳۱**								
۳	گشودگی	-۰.۱۴۶	۰.۰۳۹							
۴	سازگاری	-۰.۴۰۱**	۰.۵۲۱**	۰.۲۶۴*						
۵	وظیفه‌شناسی	-۰.۱۷۳	۰.۳۵۰**	-۰.۱۰۹	۰.۱۷۵					
۶	خلاقیت	-۰.۳۱۳**	۰.۱۴۶	۰.۵۶۹**	۰.۲۴۹*	۰.۰۸۱				
۷	سیالی	-۰.۲۷۷**	۰.۰۸۴	۰.۲۹۵**	۰.۱۳۵	-۰.۰۱۲	۰.۷۵۴**			
۸	انعطاف‌پذیری	-۰.۲۴۴*	۰.۱۱۳	۰.۶۲۷**	۰.۱۵۸	۰.۱۰۴	۰.۸۲۴**	۰.۴۲۳**		
۹	ابتکار	-۰.۳۸۴**	۰.۲۴۷*	۰.۴۹۴**	۰.۳۲۲**	۰.۱۳۷	۰.۸۴۱**	۰.۵۳۱**	۰.۶۵۱**	
۱۰	بسط	-۰.۰۶۳	-۰.۰۰۶	۰.۳۲۶**	۰.۱۶۵	۰.۰۰۹	۰.۷۱۳**	۰.۴۵۸**	۰.۴۳۱**	۰.۴۲۴**
۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد=۹۲ نفر										

جدول ۲- ماتریس همبستگی ویژگیهای شخصیتی و خودشکوفایی دانشجویان طراحی صنعتی.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	روان آزاده خویی							
۲	برونگرایی	-۰.۴۳۱**						
۳	گشودگی	-۰.۱۴۶	۰.۰۳۹					
۴	سازگاری	-۰.۴۰۱**	۰.۵۲۱**	۰.۲۶۴*				
۵	وظیفه‌شناسی	-۰.۱۷۳	۰.۳۵۰**	-۰.۱۰۹	۰.۱۷۵			
۶	خودشکوفایی	-۰.۵۶۱**	۰.۵۸۶**	۰.۲۳۳*	۰.۴۶۶**	۰.۲۹۶**		
۷	گشودگی	-۰.۴۹۱**	۰.۵۸۵**	۰.۲۲۴*	۰.۴۴۴**	۰.۳۱۳**	۰.۹۳۳**	
۸	ارجاع به خود	-۰.۵۴۳**	۰.۴۷۱**	۰.۱۸۰	۰.۳۳۹**	۰.۱۸۱	۰.۸۶۳**	۰.۶۳۹**
۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد=۹۲ نفر								

با شاخص خلاقیت به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی دلالت بر این مهم دارد که شاخص خلاقیت با عامل روان آزاده خویی دارای رابطه معکوس معنادار^{۶۹} با شدت متوسط می باشد. از سوی دیگر، سه مقیاس سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار از شاخص خلاقیت نیز با عامل اول رابطه معکوس معنادار برقرار نموده‌اند، حال آنکه مقیاس بسط، با عامل اول، هیچ‌گونه رابطه معناداری برقرار ننموده است. میان عامل برون‌گرایی با شاخص خلاقیت، رابطه معناداری ایجاد نشده است و از میان تمامی مقیاس‌های خلاقیت، مقیاس ابتکار با عامل دوم، رابطه مستقیم معنادار^{۷۰} با شدت ضعیف برقرار نموده است. میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خلاقیت و تمامی مقیاس‌های خلاقیت رابطه مستقیم معنادار و به ترتیب با شدت قوی، ضعیف، قوی، متوسط و متوسط بوجود آمده است. در ادامه، میان عامل سازگاری با شاخص خلاقیت رابطه مستقیم معنادار اما با شدت ضعیف پدید آمده

است و همچنین تنها مقیاس ابتکار از شاخص خلاقیت توانسته با عامل اول رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط ایجاد نماید. در نهایت، میان عامل سازگاری با شاخص خلاقیت و مقیاس‌های مربوطه هیچگونه رابطه معناداری ایجاد نشده است.

بر اساس مندرجات جدول ۲، رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی با شاخص خودشکوفایی به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی، دلالت بر این مهم دارد که میان عامل روان‌آزده‌خویی با شاخص خودشکوفایی رابطه معکوس معنادار با شدت قوی وجود دارد و همچنین دو خرده‌مقیاس گشودگی و ارجاع به خود از شاخص خودشکوفایی، با عامل اول رابطه معکوس معنادار به ترتیب با شدت متوسط و قوی ایجاد شده است. میان عامل برون‌گرایی با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس مربوطه، رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت قوی، قوی و متوسط پدید آمده است. همچنین، میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خودشکوفایی و خرده‌مقیاس گشودگی رابطه مستقیم معنادار با شدت ضعیف شکل گرفته است، این در حالی است که میان عامل سوم با خرده‌مقیاس ارجاع به خود، رابطه معنادار بوجود نیامده است. در ادامه، میان عامل سازگاری با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس مربوطه، رابطه مستقیم معنادار با شدت رابطه برابر (متوسط) ایجاد شده است. در نهایت، میان عامل وظیفه‌شناسی با شاخص خودشکوفایی و خرده‌مقیاس گشودگی رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت ضعیف و متوسط برقرار گشته اما میان عامل پنجم با خرده‌مقیاس دوم رابطه معنادار پدید نیامده است. بر اساس مندرجات جدول ۳، رابطه میان شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی، دلالت بر این مهم دارد که میان شاخص خلاقیت و تمامی مقیاس‌های چهارگانه خلاقیت با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس گشودگی و ارجاع به خود رابطه مستقیم معنادار وجود دارد که شدت رابطه بین تمامی متغیرهای مربوطه در بازه

جدول ۳- ماتریس همبستگی خلاقیت و خودشکوفایی دانشجویان طراحی صنعتی.

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
							۱	خلاقیت	۱
						۱	.۷۵۴**	سیالی	۲
					۱	.۴۲۳**	.۸۲۴**	انعطاف‌پذیری	۳
				۱	.۶۵۱**	.۵۳۱**	.۸۴۱**	ابتکار	۴
			۱	.۴۲۴**	.۴۳۱**	.۴۵۸**	.۷۱۳**	بسط	۵
		۱	.۳۰۳**	.۵۴۱**	.۳۷۸**	.۳۴۶**	.۵۰۳**	خودشکوفایی	۶
	۱	.۹۳۳**	.۲۹۷**	.۴۷۵**	.۳۴۰**	.۳۲۴**	.۴۵۹**	گشودگی	۷
۱	.۶۳۹**	.۸۶۳**	.۲۲۳*	.۴۹۵**	.۳۱۹**	.۳۰۰**	.۴۲۹**	ارجاع به خود	۸

۰/۰۵ معناداری = * ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد= ۹۲ نفر

میان ضعیف تا قوی قرار دارند. چنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در مرتبه نخست همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت نشان می‌دهد که میان دانشجویان دختر با پسر در رشته طراحی صنعتی تفاوت‌های اندکی میان متغیرهای تحقیق وجود دارد بدین صورت که تنها تفاوت موجود در عدم وجود رابطه معنادار میان عامل روان‌آزده‌خویی با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر است حال آنکه میان دو متغیر تحقیق در دانشجویان دختر رابطه معکوس معنادار با شدت متوسط ایجاد شده است. میان سه عامل دیگر همچون برون‌گرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی به دلیل عدم وجود رابطه معنادار با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر و دختر، میان دو جنس تفاوت بوجود نیامده است اما میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر و دختر رابطه مستقیم معنادار با شدت قوی ایجاد شده است که از این حیث نیز میان دو جنس تفاوت وجود ندارد.

در مرتبه بعدی، همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی با خودشکوفایی نشان می‌دهد که میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی تفاوت اندکی وجود دارد؛ بدین صورت که تنها تفاوت در عدم وجود رابطه معنادار بین عامل وظیفه‌شناسی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و وجود رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط در دانشجویان دختر است اما میان عامل‌های دیگر با شاخص خودشکوفایی میان دو جنس تفاوت وجود ندارد چرا که میان عامل روان‌آزده‌خویی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه معکوس معنادار با شدت برابر (قوی) ایجاد شده است؛ میان عامل برون‌گرایی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه مستقیم و معنادار با شدت برابر (قوی) ایجاد شده است؛ میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه معنادار ایجاد نشده است؛ میان عامل سازگاری با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه مستقیم و معنادار با شدت برابر (متوسط) ایجاد شده است.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پسر	۱	روان آزاده خویی	۱								
	۲	برونگرایی	-۰.۵۶۹**	۱							
	۳	گشودگی	-۰.۱۵۷	-۰.۱۳۹	۱						
	۴	سازگاری	-۰.۳۸۱*	۰.۴۶۸**	۰.۱۹۴	۱					
	۵	وظیفه شناسی	-۰.۱۹۱	۰.۳۷۲*	۰.۰۰۲	۰.۲۱۷	۱				
	۶	خلاقیت	-۰.۲۶۲	۰.۱۳۱	۰.۶۱۶**	۰.۲۷۴	۰.۰۷۶	۱			
	۷	سیالی	-۰.۰۷۲	۰.۱۰۰	۰.۳۲۲*	۰.۱۳۴	-۰.۰۸۳	۰.۷۳۵**	۱		
	۸	انعطاف پذیری	-۰.۲۹۵	۰.۱۴۵	۰.۶۲۴**	۰.۲۰۵	۰.۱۷۲	۰.۸۱۴**	۰.۴۰۰**	۱	
	۹	ابتکار	-۰.۳۸۱*	۰.۱۹۳	۰.۵۸۹**	۰.۲۹۸	۰.۱۰۱	۰.۸۹۰**	۰.۵۸۰**	۰.۶۵۵**	۱
	۱۰	بسط	-۰.۰۰۳	-۰.۰۶۴	۰.۳۵۷*	۰.۲۱۹	۰.۰۰۳	۰.۷۲۱**	۰.۴۳۰**	۰.۴۱۹**	۰.۵۳۲**
دختر	۱	روان آزاده خویی	۱								
	۲	برونگرایی	-۰.۲۶۸	۱							
	۳	گشودگی	-۰.۱۳۳	۰.۱۹۹	۱						
	۴	سازگاری	-۰.۴۵۰**	۰.۵۹۹**	۰.۳۱۹*	۱					
	۵	وظیفه شناسی	-۰.۲۲۷	۰.۳۳۲*	-۰.۱۹۴	۰.۱۲۰	۱				
	۶	خلاقیت	-۰.۳۳۸*	۰.۱۶۹	۰.۵۴۸**	۰.۲۴۱	۰.۱۳۲	۱			
	۷	سیالی	-۰.۴۱۷**	۰.۰۷۵	۰.۲۷۷	۰.۱۵۵	۰.۱۱۱	۰.۷۶۶**	۱		
	۸	انعطاف پذیری	-۰.۱۷۳	۰.۰۷۸	۰.۶۳۸**	۰.۱۲۵	۰.۰۶۳	۰.۸۳۱**	۰.۴۳۰**	۱	
	۹	ابتکار	-۰.۳۵۴*	۰.۳۳۱*	۰.۴۴۵**	۰.۳۷۵**	۰.۲۵۰	۰.۷۹۱**	۰.۴۷۹**	۰.۶۴۹**	۱
	۱۰	بسط	-۰.۱۳۰	۰.۰۵۶	۰.۳۱۴*	۰.۱۱۹	۰.۰۰۱	۰.۷۲۷**	۰.۵۰۱**	۰.۴۵۰**	۰.۳۵۲*

۰/۰۵ معناداری* و ۰/۰۱ سطح معناداری** و تعداد پسران= ۴۳ نفر و تعداد دختران= ۴۹ نفر

جدول ۵- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در دانشجویان طراحی صنعتی.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پسر	۱	روان آزرده خوبی	۱						
	۲	برون گرای	۱						
	۳	گشودگی	۱	۱					
	۴	سازگاری	۱	۱	۱				
	۵	وظیفه شناسی	۱	۱	۱	۱			
	۶	خودشکوفایی	۱	۱	۱	۱	۱		
	۷	گشودگی	۱	۱	۱	۱	۱		
	۸	ارجاع به خود	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

ادامه جدول ۵.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
دختر	۱	روان‌آزرده‌خویی	۱						
	۲	برون‌گرایی	-۰.۲۶۸	۱					
	۳	گشودگی	-۰.۱۳۳	۱۹۹	۱				
	۴	سازگاری	-۰.۴۵۰**	۵۹۹**	۳۱۹*	۱			
	۵	وظیفه‌شناسی	-۰.۲۲۷	۳۳۳*	-۰.۱۹۴	۱۲۰	۱		
	۶	خودشکوفایی	-۰.۶۳۰**	۵۱۳**	۲۲۳	۴۸۳**	۳۶۰*		
	۷	گشودگی	-۰.۵۵۸**	۵۶۲**	۲۴۸	۴۳۹**	۳۸۳**	۱	
	۸	ارجاع به خود	-۰.۵۷۰**	۳۰۷*	۰۹۹	۳۴۳*	۲۰۵	۵۸۳**	۱
۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد پسران = ۴۳ نفر و تعداد دختران = ۴۹ نفر									

جدول ۶- ماتریس همبستگی خلاقیت و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در دانشجویان طراحی صنعتی.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پسر	۱	خلاقیت	۱						
	۲	سیالی	۷۳۵**	۱					
	۳	انعطاف‌پذیری	۸۱۴**	۴۰۰**	۱				
	۴	ابتکار	۸۹۰**	۵۸۰**	۶۵۵**	۱			
	۵	بسط	۷۲۱**	۴۳۰**	۴۱۹**	۵۳۳**	۱		
	۶	خودشکوفایی	۴۶۵**	۲۷۹	۳۹۱**	۵۶۰**	۱۸۸	۱	
	۷	گشودگی	۳۵۰*	۱۸۹	۲۵۹	۴۷۴**	۱۴۲	۹۴۴**	۱
	۸	ارجاع به خود	۴۸۶**	۲۹۲	۴۶۳**	۵۵۳**	۱۶۲	۸۹۶**	۷۱۴**
دختر	۱	خلاقیت	۱						
	۲	سیالی	۷۶۶**	۱					
	۳	انعطاف‌پذیری	۸۳۱**	۴۳۰**	۱				
	۴	ابتکار	۷۹۱**	۴۷۹**	۶۴۹**	۱			
	۵	بسط	۷۲۷**	۵۰۱**	۴۵۰**	۳۵۳*	۱		
	۶	خودشکوفایی	۵۴۲**	۴۰۸**	۳۶۷**	۵۳۷**	۳۹۷**	۱	
	۷	گشودگی	۵۵۹**	۴۳۴**	۴۱۱**	۵۰۳**	۴۰۸**	۹۲۷**	۱
	۸	ارجاع به خود	۳۷۰**	۲۹۸*	۱۷۸	۴۲۶**	۲۷۸	۸۳۴**	۵۸۳**
۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد پسران = ۴۳ نفر و تعداد دختران = ۴۹ نفر									

خودشکوفایی، به دلیل عدم وجود رابطه معنادار در دانشجویان پسر و وجود رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط در دانشجویان دختر، میان دو جنس تفاوت وجود دارد حال آنکه میان دو مقیاس انعطاف‌پذیری و ابتکار از شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت رابطه متوسط و قوی در دانشجویان پسر و دختر، میان دو جنس تفاوت وجود ندارد.

در مرتبه نهایی، همبستگی میان شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی نشان می‌دهد که میان دو متغیر تحقیق در دانشجویان پسر و دختر به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار تفاوتی وجود ندارد اما به لحاظ وجود شدت رابطه متوسط در دانشجویان پسر و وجود شدت رابطه قوی در دانشجویان دختر، میان دو جنس تفاوت وجود دارد. میان دو مقیاس سیالی و بسط از شاخص خلاقیت با شاخص

نتیجه

هدف از انجام این تحقیق، پی بردن به رابطه میان برخی از متغیرهایی است که به نظر می‌رسد در مقوله آموزش دارای اهمیت راهبردی هستند که شناخت از وجود رابطه میان آنها، می‌تواند متخصصین و مدرسین آموزش هنر را در ارتقای کیفیت و بهره‌وری آموزشی یاری رساند. از دیگر اهداف تحقیق، تبیین تفاوت‌های احتمالی است که می‌تواند میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی وجود داشته باشد. متغیرهایی که در جامعه تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند عبارتند: از ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی.

یافته‌های تحقیق دلالت بر این مهم دارند که میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی به واسطه ارتباطات میان ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی دارای تفاوت اندکی می‌باشند. آنچنان که مشخص است خلاقیت دانشجویان پسر تحت تأثیر عامل روان‌آزرده‌خوبی / ثبات هیجانی قرار ندارد حال آنکه خلاقیت دانشجویان دختر از ناحیه عامل اول دچار آسیب شده است که شدت آسیب به میزان متوسط می‌باشد. نکته حائز اهمیت آنکه عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی / درون‌گرایی، سازگاری / ناسازگاری و وظیفه‌شناسی / وظیفه‌نشناسی به دلیل عدم برقراری رابطه با شاخص خلاقیت بر این مهم دلالت دارند که هیچیک از عامل‌های مربوطه، بر روی خلاقیت دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی تأثیرگذار نیستند لذا خلاقیت دانشجویان از ناحیه این سه عامل، نه تأثیر مثبت و نه تأثیر منفی می‌پذیرد. در ادامه مشخص گردید که خودشکوفایی نیز همچون خلاقیت از ناحیه عامل روان‌آزرده‌خوبی آسیب دیده است که این امر در میان دانشجویان پسر و دختر بصورت مشترک ایجاد شده است و جالب توجه است که شدت آسیب‌دیدگی هر دو جنس از ناحیه عامل اول با یکدیگر برابر است. دو عامل برون‌گرایی / درون‌گرایی، وظیفه‌شناسی / وظیفه‌نشناسی نیز در هر دو گروه از دانشجویان رشته طراحی صنعتی با شدتی برابر بر روی شاخص خودشکوفایی تأثیر مثبت به جای گذارده است. همچنین، عامل گشودگی به تجربه بر نمره شاخص خودشکوفایی در دانشجویان دختر و پسر هیچگونه تأثیری ندارد. در نهایت مشخص گردید که اگرچه عامل وظیفه‌شناسی تأثیری بر رشد یا کاهش نمره خودشکوفایی در دانشجویان پسر ندارد، اما می‌تواند در دانشجویان دختر تأثیر مثبت ایجاد نماید و در رشد نمره این شاخص نیز مؤثر واقع گردد. نظریه‌های خودشکوفایی که از سوی متخصصین ارائه شده است، بر این مهم تأکید دارند که میان خودشکوفایی و خلاقیت رابطه قوی وجود دارد (باقری خلیلی و محرابی کالی، ۱۳۹۰)، چنان که نمی‌توان میان دو مفهوم تفاوتی قایل شد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱) و همچنین با مفهوم کمال و سطح عالی سلامت روان رابطه دارد (شولتز، ۱۳۸۵)، در نتیجه باید انتظار داشت که خلاقیت و

خودشکوفایی نیز در میان دانشجویان رشته طراحی صنعتی دارای رابطه معنادار باشد. در مرحله آزمون مشخص گردید میان شاخص خلاقیت با خودشکوفایی هم دانشجویان پسر و هم دانشجویان دختر رابطه مثبت وجود دارد و این امر دلالت بر این مهم دارد که با رشد نمره شاخص خلاقیت، نمره شاخص خودشکوفایی افزایش می‌یابد که شدت تأثیرگذاری این دو متغیر بر روی یکدیگر در میان دو گروه از دانشجویان قدری تفاوت دارد.

پس از یافتن رابطه بین متغیرهای تحقیق و تفاوت‌هایی که میان دانشجویان پسر و دختر در برخی از موارد به لحاظ آماری وجود دارد، آنچه که به نظر می‌رسد که بسیار مهم و حیاتی باشد و می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد و می‌توان از آنها به عنوان کاستی‌های پژوهش نام برد و همچنین به عنوان موارد پیشنهادی در راستای تحقیقات آتی مرتبط با این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد؛ شامل موارد ذیل می‌باشد: الف) مصداق‌سازی رابطه‌های کشف شده در تحقیق با عناصر بصری در رشته طراحی صنعتی، چارچوب‌های نظری، و رویکردهای هستی‌شناختی و فرایند خلاقیت احتمالی در رشته طراحی صنعتی است تا از این طریق بتوان جامعه تحقیق را بیش از پیش جهت تأمین اهداف از پیش تعریف‌شده تحت کنترل و آزمون‌های دقیق قرار داد؛ ب) از آنجایی که یکی از ابزارهای پژوهش، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد، لذا بسیاری از شاخص‌های مرتبط با متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر پایگاه هویتی آزمودنی‌ها همچون ۱- پایگاه هویتی خانوادگی (میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، تاهل یا تجرد آزمودنی، میزان درآمد خانواده، تعداد جمعیت خانواده و بسیاری از متغیرهای مرتبط با خانواده)، ۲- پایگاه هویتی اجتماعی، ۳- پایگاه هویتی جنسیتی، ۴- پایگاه هویتی عاطفی، و ۵- پایگاه هویتی شناختی، به دلیل تنوع و ناهمگونی بسیار بالای متغیرهای جمعیت‌شناختی در جامعه تحقیق علیرغم جمع‌آوری متغیرهای مربوطه از طریق پرسش‌نامه امکان بررسی تحلیل و تأثیر آنها و همچنین برقراری ارتباط آنها با متغیرهای اصلی تحقیق میسر نشد، لذا در تحقیقات بعدی می‌بایست میزان آزمودنی با توجه به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی در بازه‌ای قرار گیرد که به لحاظ آماری امکان تحلیل وجود داشته باشد؛ ج) در ارتباط مورد (ب)، برخی از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی شخصیت بر این مهم تأکید دارند که ویژگی‌ها و صفات شخصیت، ریشه در ویژگی‌های زیستی و ژنتیک اشخاص دارد که می‌تواند بر بسیاری از ویژگی‌های رفتاری و شناختی فرد نیز تأثیرگذار باشد. با توجه به انتخاب پرسش‌نامه به عنوان ابزار تحقیق در این پژوهش، امکان استفاده از دیگر ابزارهای نمونه‌گیری وجود نداشته است لذا در تحقیقات آتی امکان بهره‌مندی از ابزارهای سنجش ویژگی‌های ژنتیکی و ارتباط آنها با متغیرهای تحقیق، می‌تواند کمک شایان توجهی بر تحقیق مرتبط با این پژوهش دربر داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 52 Tender Mindedness.
- 53 Competence.
- 54 Order.
- 55 Dutifulness.
- 56 Achievement Striving.
- 57 Self-Discipline.
- 58 Deliberation.
- 59 Cronbach's Alpha Coefficient.
- 60 POI.
- 61 Self-Reference.
- 62 Adaptation.
- 63 Autonomy.
- 64 Openness.
- 65 Openness to Life.
- 66 Openness to Others.
- 67 Openness to Self.
- 68 Gender Differences.
- 69 Significant Negative Correlation.
- 70 Significant Positive Correlation.
- 1 Maslow.
- 2 Masters.
- 3 Dahl.
- 4 Aesthetic Categories.
- 5 Emotional Aspects.
- 6 Cognitive.
- 7 Divergent Thinking.
- 8 Creative Problem Solving.
- 9 Ryder.
- 10 Heussenstamm.
- 11 Kuffman.
- 12 Statistical Analysis.
- 13 NEO-FFI.
- 14 TTCT.
- 15 MAP.
- 16 Industrial Design.
- 17 SPSS.
- 18 Pearson Correlate Coefficient.
- 19 Creativity.
- 20 Fluency.
- 21 Originality.
- 22 Flexibility.
- 23 Elaboration.
- 24 Neuroticism.
- 25 Extroversion.
- 26 Openness to Experience.
- 27 Agreeableness.
- 28 Conscientiousness.
- 29 Anxiety.
- 30 Hostility.
- 31 Depression.
- 32 Self-Consciousness.
- 33 Impulsiveness.
- 34 Vulnerability to Stress.
- 35 Warmth.
- 36 Gregariousness.
- 37 Assertiveness.
- 38 Activity.
- 39 Excitement Seeking.
- 40 Positive Emotion.
- 41 Fantasy.
- 42 Aesthetics.
- 43 Feelings.
- 44 Actions.
- 45 Ideas.
- 46 Values.
- 47 Trust.
- 48 Straightforwardness.
- 49 Altruism.
- 50 Compliance.
- 51 Modesty.

منابع

- باقری خلیلی، علی‌اکبر؛ محرابی کالی، منیره (۱۳۹۰)، بررسی ادراک واقعیت و پذیرش خود و دیگران در غزلیات حافظ (براساس نظریه شخصیت/ خودشکوفایی آبراهام مزلو)، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۱-۱۷.
- تاج، فاطمه (۱۳۹۰)، رابطه سبک‌های دلبستگی و خودشکوفایی در روان‌درمانگران و مقایسه آن با شاغلین غیرروان‌درمانگر شهرستان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شقاقی، فرهاد؛ مزگان آگاه هریس (۱۳۸۹)، مقایسه خودشکوفایی دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، پیک نور، سال نهم، شماره اول، ص ۶۲.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی (۱۳۸۱)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه سید محمدی، چاپ چهارم، مؤسسه نشر ویرایش، تهران.
- شولتز، دوان (۱۳۸۵)، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ سیزدهم، نشر کیهان، تهران.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲)، خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۳، صص ۴۶-۵۴.
- گروسی فرشی، م. ت (۱۳۸۰)، رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)، چاپ اول، نشر دانیال و جامعه پژوه، تبریز.
- Burleson, W (2005), Developing creativity, motivation, and self-actualization with learning systems, *International Journal of human-computer studies*, No. 63, pp.436-451.
- Cashdan, S (1971), Social participation and sub-cultural influences in the study of adolescent creativity, *Adolescence*, 6(21), pp.39-52.
- Chamorro-Premuzic, T; Reimers, S; Hsu, A & Ahmetgol, G (2009), Who art thou? Personality predictors of artistic preferences in a large UK sample the importance of openness, *British Journal of Psychology*, 100, pp.501-516.
- Chamorro-Premuzic, T; Burke, C; Hsu, A & Swami, V (2010), Per-

and validation of a self-report measure of self-actualization, *Social behavior and personality: an international journal*, Vol. 25, No. 4, pp. 353-365.

Maslow, A (1954), *Motivation and personality*, Harper & Row, New York.

Maslow, A.H (1970), *Motivation and personality, 2nd Edition.*, Harper & Row, New York.

Masters, Bradley R (2009), *A study of self-actualization of gifted children in public high school programs*, Dissertation submitted to the Faculty of Holos University, Doctoral dissertation of Theology.

Plucker, J.; Beghetto, R. & Dow, G (2004), Why isn't creativity more important to educational psychologist? Potential, pitfalls, and future directions in creativity research, *Educational psychologist*, 39(2), pp. 83-96.

Rawlings, D; Vidal, N. B & Furnham, A (2000), Personality and Aesthetic preference in Spain and England: Two studies relating sensation seeking and openness to experience to liking for paintings and music, *European Journal of Personality*, Vol. 14, Issue 6, pp. 553-576.

Ryder, W.W (1987), The role Art in self-actualization, *Art education*, Vol. 40, No. 2, pp. 22-24.

Silvia, P.J; Winterstien, B.P; Willse, J.T; Baona, C.M; Cram, J.T & Hess K.I (2008), Assessing creativity with divergent thinking tasks: Exploring the reliability and validity of new subjective scoring methods, *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 2, pp. 68-58.

Smith, Michael Robert (2002), *the relationship between personality traits, and trainee effectiveness in counseling sessions: cognitive flexibility, self-actualization and spirituality*, Dissertation submitted in doctor of philosophy in counseling and educational psychology, University of Nevada-Reno.

Sternberg, R.J & Lubart, T.I (1996), *Defying the crowd: Cultivating creativity in a culture of conformity*, Free Press, New York.

Sternberg, R.J; Kaufman, J.C & Pretz, J.E (2003), A propulsion model of creative leadership, *Leadership Quart*, 14, pp. 455-473.

Stockes, P.D (1999), Novelty, In M. A. Runco & S. R. Pritzker, *Encyclopedia of creativity* (pp. 297-304), San Diego, CA, Academic Press.

Torrance, E.P (1990), *Torrance Tests of Creative Thinking*. Scholastic Testing Service, IL, Bensenville.

Tosi, D.J & Hoffman, S (1972), A factor analysis of the personal orientation inventory, *Journal of humanist psychology*, 12, pp. 86-93.

sonality predictors of artistic preferences as a function of the emotional valence and perceived complexity of paintings, *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, Vol. 4, No. 4, pp. 196-204.

Chavez-Eakle, R.A; Graftt-Guerrero, A; Garcai-Reyna, J; Vaugier, V & Cruz-Fuentes, C (2007), Cerebral blood flow associated with creative performance: A comparative study, *Neuroimage*, 38, pp. 528-529.

Costa, P. T & McCrae, R. R (1992), *Revised NEO personality inventory (NEO PI-R): professional manual*, Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.

Dahl, J.R; Wakefield J. R, A.J; Kimlicka, M.T & Wiederstein, M (1983), How the personality dimensions of neuroticism, extroversion, and psychoticism relate to self-actualization, *Personality and individual differences*, 4(6), pp. 683-695.

Doyle, J.S (1975), Self-Actualization, neuroticism, and extroversion revisited, *Psychological reports*, 39, pp. 1081-1082.

French, S & Joseph, S (1999), Religiosity and its association with happiness, purpose in life, and self-actualization, *Mental Health, Religion and Culture*, 2, pp. 117-120.

Gebauer, E.J; Riketta, M; Broemer, P & Gregory, M.R (2008), Pleasure and pressure based prosocial motivation: Divergent relations to subjective well-being, *Journal of research in personality*, Vol 42, Issue 2, pp. 399-420.

Heussenstamm, F. K (1971), Humanizing higher education, *Art education*, 24 (26), pp. 17-18.

Hough, L. M & Ones, D. S (2001), The structure, measurement, validity and use of personality variables in industrial, work and organizational psychology. In N. Anderson, D. S. Ones, H.K. Sinangil & C. Viswesvaran (Eds), *Handbook of industrial, work and organizational psychology*, Sage, London.

Jones, Alvin & Crandall, Risk (1986), Validation of a Short Index of Self-Actualization, *Personality and Social Psychology Bulletin*, Volume 12, Issue 1, pp. 63-73.

Knapp, R.P (1995), Relationship of a measure of self-actualization to neuroticism and extraversion, *Journal of consult psychology*, 29, pp. 168-172.

Kuffman, I (1966), *Art and education in contemporary culture*, the Macmillan Company, New York.

Leclerc, G; Dube, M; Hbert, R & Gaulin, P (1997), The development